

# عهدنامه گلستان، زمینہ ہا و پیامد ہا

آسیہ ایزدیار

### چکیده :

آمال و آرزوهای دور و دراز روسیه ی تزاری برای رسیدن به آبهای آزاد و سپس هندوستان فقط با گذار از ایران و رسیدن به سواحل گرم خلیج فارس محقق می گشت . لذا برای نیل به چنین مقصودی ، دست روی نقطه ی آسیب پذیر ایران که در وصیت نامه پطر کبیر از آن به عنوان «رگ حساس ایران نام برده می شود» ، یعنی منطقه قفقاز گذاشته شد. و اما دو فرایند تحولات داخلی گرجستان و مسائل جانشینی حاکمیت بر سر آن و رقابت هر دو دولت روسیه و ایران بر سر تسلط بر این منطقه در غالب جنگهای دوره ی اول ایران و روس در زمان زمامداری فتعلی شاه قاجار خودنمایی می کند. در این میان عدم حمایت مالی شاه از عباس میرزا (ولیعهد) که مسئولیت جنگ را بر عهده داشت ، طولانی شدن جنگ ، دست پنهان سیاست انگلستان که به منظور حفظ و جلوگیری از معابر ایران به هند از در آشتی و اتحاد با روسیه درآمد و بدین وسیله حیثیت سیاسی و نظامی ایران را فدای مطامع استعماری خود نمود و با خارج کردن مستشاران نظامی خود ضربه ای مهلک را بر پیکر سپاه ایران وارد ساخت ، از عواملی است که می توان آن را دلیل شکست ایران در این دوره ازجنگ ها قلمداد کرد .

تحلیل عهد نامه گلستان که در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ با میانجی گری نماینده انگلستان یعنی سر گور اوزلی صورت پذیرفت ، برای اولین بار حافظه تاریخ ایران را تغییر داد. عهد نامه ای که نخستین پیامد آن شاه ایران را متعهد می کرد تا تمامی ولایات: قراباغ ، شیروان ، باکو ، گنجه و... را در اختیار دولت روسیه قرار دهد . همچنین این عهدنامه در مورد ایران بسیار قطعی و قابل اجرا ولی درمورد کشور مقابل فقط پیش آمدهای احتمالی را در برداشت و بسیاری از نکات آن خصوصاً درمورد تعیین سرحدات عمداً مبهم باقی گذاشته شد .

لذا ایده مقاله حاضر براین است تا با پرداختن به برخی از عوامل داخلی و خارجی که منجر به شکست ایران و انعقاد قرارداد گلستان گردیده پاره ای از این عوامل تحت عنوان زمینه ها و پیامدها با تکیه بر منابع وبا رویکرد علمی مورد بررسی قرار گیرد .

**واژگان کلیدی :** روسیه تزاری ، قفقاز ، انگلستان ، عهدنامه گلستان

مقدمه :

عهدنامه ی که فی مابین کشورهای ایران و روسیه ، به دلیل انعقاد آن در قریه ی گلستان از توابع قراباغ ، به این نام مشهور شد یکی از ننگین ترین معاهد هایی است ، که در طول تاریخ ایران به خود دیده است . این عهدنامه ۱۱ فصلی توانست سه قسمت از مطامع ارضی ، سیاسی و اقتصادی روسها را تأمین نماید اما درمقابل پس از ده سال جنگ برای ایران نه تنها منافی نداشت بلکه مهر ننگ آن تا به امروز بر پیشانی دولت مردان آن باقی ماند . این معاهده محصول فرایند های داخلی و خارجی است که همپا و همگام با هم موجبات شکل گیری آنرا فراهم نمودند . فرایند پیچیده ای که ارزیابی و تحلیلی درست و واقع گرایانه از معماهای سیاسی و بازیهای پشت پرده ای را می طلبید که در صورت تحقق می توانست نتایج عکسی را به سود خود حاصل نماید . در هر صورت بد عهدی انگلستان و فرانسه و تغییر روش سیاسی کشورهای اروپائی و نبودن قشون منظم و مجهز از عواملی بود که موجبات شکست ایران در جنگهای ده ساله شده و عهدنامه گلستان را به تقریر در آورد .

لذا در این مقاله سعی براین شده است تا به برخی از زمینه ها و متعاقب آن پیامدهای عهدنامه گلستان به طور اجمال پرداخته شود تا قضاوتی صحیح از اوضاع و احوال آن دوره تاریخ ایران حاصل آید .

**۱- روسیه و سیاست دست یابی به آبهای آزاد :**

با روی کار آمدن پتر کبیر روسیه توانست با استفاده از تجربیات اروپائیان ساختار کهنه را رها کرده وارد مرحله ی جدیدی شود . نخستین دستاورد این تحول ، ظهور کارخانجات و کارگاههای صنعتی بزرگ و به دنبال آن سرازیر شدن کالاها مختلف جهت فروش بود که روز به روز بازارهای فروش بیشتری را برای این کشور می طلبید و این مهم کاملاً محقق نمی گشت مگر با در دست داشتن بنادر تجاری تا از طریق آن بتوانند امتعه ی خود را از طریق آبی به سراسر دنیا عرضه کنند . از آن جایی که روسیه فاقد چنین امکانی بود بنادر سرزمین های دیگری را مدنظر قرار داد که از میان آنها خلیج فارس به دو دلیل انتخاب شد : اول بخاطر راه وصول ساده و بی درد سر آن و دوم ادامه سیاست های استعماری این کشور برای تصرف اراضی جدید و توسعه قلمرو نفوذ در کشورهای آسیایی از جمله هند که از یک سو بنا به گفته پترکبیر کشوری بزرگ و بهترین بازارگاه تجارت و مخزن ثروت عالم بود ( تاج بخش ، ۱۳۶۲ ، ۱۱ ) و از سویی دیگر قلب تپنده انگلستان ، رغیب سرسخت روسیه به شمار می رفت .

## عهد نامه گلستان

لذا تصرف ایران در دستور کار قرار گرفت و کلید دست یابی به آن رگ حساس ایران یعنی سرزمین قفقاز و کشور گرجستان اعلام شد که کوچکترین تعرضی به آن ایران را به حالت منفعل می کشاند و به عقیده آنان استیلا کامل بر این منطقه به معنی تسلط کامل بر کل کشور به شمار می رفت .

اما بنابه دلایلی این سیاست نه تنها در زمان طرح خود بلکه حتی تا مدتها پس از آن به اجرا در نیامد . بلکه تنها در نیمه اول قرن نوزدهم بود که بخاطر تحولات سیاسی اروپا و انقلابات داخلی در منطقه گرجستان ، مجالی برای بروز و خود نمایی یافت .

## ۲- استقلال خواهی و انقلابات داخلی گرجستان :

مردم سرزمین قفقاز از نژادهای مختلفی تشکیل شده بودند . وجود دو دین ارمنی و مسلمان همواره گرایش های متفاوتی را در این سرزمین رغم می زده است . با وجود تمام کشمکش هایی که بر سر این منطقه در طول تاریخ رخ داده بود این سرزمین همچنان جزء خاک ایران محسوب می شد و پادشاهان آن دست نشانده ایران محسوب می شدند . با این وجود اندیشه های استقلال طلبی و آزادی خواهی در میان مردم این ناحیه وجود داشته و همانطور که گفته شد وجود آرامنه در این سرزمین به دلیل اختلاف با مسلمانان این منطقه موجب تسریع این امر می گشته است .

درگیریهای داخلی ایران مجالی برای پرداختن و بسط هرچه بیشتر قدرت و نفوذ در این سرزمین برای شاهان ایران باقی نمی گذاشت و اصولاً دولت متمرکز واحدی در ایران وجود نداشت که از مرزها و تمامیت و استقلال ایران دفاع کند و این روند تا آنجا ادامه یافت که در زمان فتحعلی شاه حاکمیت اسمی گرجستان هم به نظر کافی می آمد . ( پاکروان ، ۱۳۷۶ ، ۶۴) با این وجود پادشاهان گرجستان نیز به منظور پیدا نمودن حامی بهتر که در شرایط سخت داخلی بتواند به داد آنها برسد گزینه روسیه را انتخاب نمودند و این امر در زمان کاترین دوم ملکه روسیه تجلی یافت .

در زمان کاترین دوم ، هراکلیوس پادشاه گرجستان در برابر حملات قبایل لزگی داغستان با انعقاد عهد نامه ۱۷۸۳ م خود را بلاخره تحت حمایت روسیه کشید . اما حمله ی سریع آقا محمد خان مانع از این اتحاد شد . قساوت آقا محمدخان در این حمله باعث تشدید دلزدگی مردم گرجستان از تحت الحمایه گی ایران گردید . اما مرگ آقامحمد خان و نیمه کار ماندن اقدامات او باعث شد تا هراکلیوس به مدت پنجسال دیگر بتواند زیر حمایت روسیه بر گرجستان سلطنت کند . (شمیم ، ۱۳۷۴ ، ۸۷ ) پس از مرگ او پسرش گیورکی دوازدهم (گرگین خان ) در زمان الکساندر تزار روس به جای پدرنشست . او برای اینکه ازجانب مدعیان دیگر آسوده خاطر باشد خود را کاملاً تحت تبعیت روسیه قرا داد و معاهده ای دراین زمینه با این کشور به امضاء رساند . (اقبال آشتیانی ، ۱۳۸۰ ، ۷۷۷) سپاهیان روس نیز به بهانه حمایت از گیورکی به تفلیس آمده و مخالفین او را که از طرفداران حمایت ایران از گرجستان بودند مغلوب نمودند . دراین میان

## عهد نامه گلستان

یکی دیگر از فرزندان هراکلیوس به نام الکساندر که از مخالفین بود به دربار ایران پناهنده شد و از فتحعلی شاه تقاضای کمک کرد. پس از مرگ گیورکی روسها رسماً گرجستان را متعلق به روسیه اعلان نمودند و به اداره آنجا تحت نظر خود مشغول شدند. و یکی از سرداران خود به نام سیسیانف را مأمور پیشروی در خاک قفقازیه نمودند و این سردار روس موفق شد علی رغم دفاع مردانه ساکنین این نواحی تاحدود ارس را تحت تصرف روسیه درآورد. که در این میان خیانت ارامنه ساکن گنجه و مایوس بودن حکام ایروان و قراباغ از مساعدت فتحعلیشاه که مدتی بود که حقوق دیوانی ایشان را پرداخت نکرده بود، را از جمله عوامل مهم پیروزی در این لشکر کشی دانست. بدین ترتیب روسیه توانست بعد از مدتها به آرزوهای خود جامع عمل بپوشاند و کیلومترها در خاک ایران پیش روی نماید. البته مردم گرجستان نیز پس از استیلا روسها بر این نواحی به حکومت ایران بیشتر از حکومت تزاران روس تمایل پیدا کردند و روزگار تسلط ایران را بر این منطقه با حسرت یاد می کردند اما دیگر حسرت را چه سود. (تاج بخش، ۱۳۶۲، ۱۹)

بنابراین با پناهنده شدن الکساندر و دیگر شاهزادگان گرجی به دربار ایران و اقدامات نظامی سیسیانف، فتحعلیشاه که اکنون جدی بودن روسیه در دست درازی به خاک ایران برای او مسجّل شده بود در مقام دفاع از تمامیت ارضی خود فرمان حمله به گرجستان را صادر نمود. لذا با این اقدامات جنگهای ده ساله ی ایران و روس آغاز شد.

### ۳- فقدان قشون منظم و مجهز:

تجاوزات ارتش امپراطوری روسیه به گرجستان و قفقازیه تکانهای شدیدی در دربار ایران به وجود آورد و ایران دریافت که در برابر تجهیزات پیشرفته همسایه شمالی تا چه حد ناتوان است. دولت ایران که تا این زمان درگیر مشکلات داخلی خود از جمله مطیع کردن بازماندگان خاندانهای سلطنتی پیشین که هر کدام مدعی سلطنت بودند، رقابت شاهزادگان قاجار با شخص فتحعلیشاه و مشکلات داخلی افغانستان بود (آوری، ۱۳۶۸، ۵۶)، مجالی برای پرداختن به ارتش خود که از ساختارهای کهنه تبعیت می کرد نداشت. نیروها ارتش همچنان به شکل سنتی و به صورت ایلاتی به کار مشغول بودند که به هنگام لزوم از گوشه و کنار کشور بسیج می شدند. اصولاً در این زمان دولت قاجار دچار فقدان یک ارتش یا دیوانسالاری مقتدر مرکزی که پیش شرط اقتدار مرکزی به شمار می رفت، بود. (آر. کدی، ۱۳۸۵، ۴۳)

برتری روسها بر ایرانیان هم بیشتر از جهت نظامی بود تا پیشرفت و برتری علمی و فنی. زیرا روسیه در این مرحله از تاریخ از لحاظ پیشرفت علمی و فنی تفاوت چندانی با ایران نداشت. (آوری، ۱۳۶۸، ۵۶) تزار روس نیز با اطلاع کامل از وضع سیاسی و نظامی موجود آن عصر ایران و تفاوت های فاحش آن با امکانات خود، قدم در میدان این نبرد نهاده بود. او حتی ارزیابی پائین تری نسبت به سطح ارتش ایران داشت و تصور می کرد با چند حمله متوالی و وارد کردن تزییقات نظامی در قفقازیه مرکزی، دربار ایران را به قبول مقاصد خود وادار خواهد کرد. (شمیم، ۱۳۷۴، ۸۴)

لذا با درک این اوضاع ، نیاز فوری به انجام اصلاحات به سبک غربی احساس شد و جبران این ناتوانیها در دستور کار قرار گرفت . بار اصلی کار هم خواه از جنبه نظری و خواه از دیدگاه عملی بر دوش عباس میرزا ، ولیعهد بود چرا که قلمرو او یعنی تبریز، خاخریز اول در برابر تهاجمات روسیه تزاری محسوب می شد . لذا او با استفاده از نیروهای فرانسوی و بعدها انگلیسی آموزش نظامی پاره ای از نیروهایش را به سبک غربی آغاز نمود او حتی در این راستا دانشجویانی نیز با هدف اصلاح ارتش به اروپا اعزام داشت . پدر و پسری که هر دو لقب قائم مقام داشتند نیز او را در انجام اصلاحات یاری می نمودند به خصوص قائم مقام دوم که اصلاحگری بسیار لایق و توانا بود .(پناهی سمنانی ، ۱۳۷۶ ، ۱۲۳ )

وابستگی شدید ایران در زمینه ی تجهیز و مدرن نمودن ارتش به اروپائیان یعنی فرانسه و انگلیس نقاط تحریک پذیر ایران را در خصوص این روند روز به روز تشدید می کرد و این کشورها با استفاده از این حربه برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود از آن بهره ها بردند . به طوریکه با ارسال اندکی تسهیلات به میداین جنگ امتیازات بزرگی را نصیب خود نمودند .

البته چنانچه بعدها به اثبات رسید این روند نتوانست حتی کوچکترین تأثیری در مدرن نمودن ارتش ایران در آن برهه از زمان ایفا نماید . زیرا اولاً تعلیم سپاهیان مستلزم زمان زیادی بود که این عملاً با توجه به شرایط جبهه های جنگ و نیاز مبرم به قشون تازه نفس امکان پذیر نبود و همین که سربازی در یک دوره کوتاه با فنون کلی آشنا می شد به جبهه احضار می گشت در نتیجه سربازان هرگز نتوانستند کارایی نظامی آنچنانی از خود نشان دهند . ثانیاً به طوریکه در پایین ذکر خواهد شد هر کدام از کشورهای فرانسه و انگلیس دارای سیاست ثابتی در قبال ایران نبودند و بنابه مصالح خود دائماً روش سیاسی خود را در قبال ایران تغییر می دادند. به طوریکه مستشاران نظامی فرانسه پس از ورود ارائه اندک تعلیمی را در نیروهای ایرانی آغاز می نمودند اما به دلیل تغییر روند سیاسی هنوز از ایران خارج نشده بودند که بلافاصله مستشاران انگلیسی جای آنها را می گرفتند. البته به همه ی اینها باید حساسیت و لثامت ذاتی فتحعلی شاه که درموقع لزوم با عدم حمایت مالی خود موجبات شکست عباس میرزا را که با همه ی نواقص موجود تحرک سپاه خود را حفظ نموده و پیروزیهایی را برای کشورش به بار آورده بود را نیز افزود.

#### ۴- تغییر روش سیاسی کشورهای استعماری :

با توجه به تغییرات سیاست اروپا و تغییر روش امپراطوران ممالک مقتدر که اثرات عمیقی در اوضاع داخلی ایران داشت می توان اینگونه ارزیابی کرد که ایران قربانی سیاست روس و انگلیس و فرانسه گردید و اگر هر اندازه دررفع نواقص قشون خود موفق می شد و مرتکب خبط و اشتباه هم نمی گردید باز غیر ممکن به نظر می رسید که بتواند سیاستهای مختلف سه دولت مقتدر را خنثی کند.(تاج بخش ، ۱۳۶۲ ، ۲۲۴ )

## عهد نامه گلستان

اتحاد ناپلئون با پل در سال ۱۸۰۰ م ۱۲۱۵ دولت انگلیس را به ایران نزدیک کرد و با آمدن سر جان ملکم قرارداد تدافعی و تعرضی منعقد گردید . وقتی پل امپراطور روسیه به قتل رسید سیاست روسیه تغییر کرد و الکساندر اول امپراطور روسیه دشمن جدی فرانسه و طرفدار انگلیس گردید . چون ناپلئون برای اجرای سیاست خود و فتح هندوستان با ایران و عثمانی نزدیک شده بود دولت انگلیس روسیه را تحریک کرد که ایران و عثمانی را در مضیقه بگذارد در نتیجه پیشروی روسها در خاک ایران شروع شد و گرجستان به دست روسها افتاد . ایران برای جلوگیری از حملات روسها به انگلیسیها متوسل شد اما پس از مایوس شدن از انگلیسیها با آنها قطع رابطه کرد و متوجه ناپلئون گردید . اقدامات ناپلئون و آمدن ژنرال گاردان و سایر افسران فرانسوی ایبران را امیدوار ساخت ولی وقایعی پیش آمد که منجر به انعقاد عهد نامه تیلست بین فرانسه و روسیه گردید در نتیجه روسیه دشمن انگلستان و دوست فرانسه گردید . در ملاقات بین دو امپراطور دست روسیه در تجاوز به خاک ایران باز گذاشته شد .

فتحعلیشاه پس از اطلاع از جریان مذاکرات فرانسه و روسیه از ناپلئون مایوس گردید وبا انگلستان قرار داد ۱۸۰۹ را منعقد کرد چیزی نگذشت که مجدداً روابط بین روسیه و فرانسه تیره شد و روسها متوجه انگلستان گردیدند . دوستی روس و انگلیس باعث شد که انگلیسیها به تعهدات خود عمل نکنند و ایران را در مقابل حملات روسها تنها گذارند و حتی افسران خود را نیز از قشون ایران احضار نمایند .

### ۵- ضعف دیپلماسی ایران در عرصه ی بین المللی :

از سال ۱۸۰۰ میلادی ، ایران به دلیل رقابت شدید قدرتهای بزرگ استعماری و اعمال سیاست متضاد از سوی آنها ، مورد فشار سیاست بین المللی قرار گرفت . اجرای سه سیاست متضاد هر کدام از کشورهای روسیه ، انگلیس و فرانسه در ایران این کشور را دچار هرج و مرج کرده بود . (تاج بخش ، ۱۳۶۲ ، ۱۶ ) زیرا بنا به گفته پرفسور پیتر آوری در آن برهه ، دول اروپایی با انگیزه اصلی حفظ منافع متضاد خود به ایران توجه داشتند و ایران نیز صرفاً به صورت گروکشی سیاسی در بازی قدرتهای بزرگ در آمده و نقش آن منحصر به نقش منفی خنثی کننده و رقابت انگیز در رابطه با قدرتهای اروپایی بود (آوری ، ۱۳۶۸ ، ۹۶ )

علی رغم این اوضاع و احوال ایران در داخل همچنان درگیر نظام کهنه سیاسی بود که ارتباط با هر کشوری را فقط از دیدگاه کمک نظامی توجیه می کرد . به عنوان نمونه در جنگهای ایران و روس دل بستگی قاجار به همپیمانی با انگلیس و فرانسه عمدتاً از تمایل به باز پس گیری گرجستان ناشی می شد . (آر. کدی ، ۱۳۸۵ ، ۴۳ ) فتحعلیشاه گاهی بانمایندگان انگلیس و گاه با نمایندگان فرانسه در گفتگو بود و در جستجوی متحدی برای دفع سپاه روسیه از سرحدات ایران فعالیت می نمود و سیاست مستقل و ثابتی ابراز نمی کرد و نمی خواست تا اخذ نتیجه و رسیدن به هدف ، هیچیک

## عهد نامه گلستان

از دولت ها را نامید گرداند . بنابراین با این روند حربه ای را به دست دول اروپایی داده تا با بهره گیری از آن مطامع سیاسی خود را به پیش برده و البته در موقع لزوم کوچکترین کمکی را نیز دریغ نمایند .

ساده اندیشی و عدم بی خبری رجال ایران از اوضاع عالم را نیز باید به این نظام دیپلماسی پوسیده افزود . در آن برهه از زمان که شرایط گنگی در عرصه بین المللی حاکم بود، شاه و درباریان گمان می کردند که فراز و نشیب سیاسی را از طریق روابط دوستانه و فرد به فرد می توانند مرتفع نمایند . (پاکروان ، ۱۳۷۶ ، ۹۶ ) این ساده اندیشی تا آنجا ادامه دارد که سرگور اوزلی سفیر نیرنگ باز بریتانیا با وجود اینکه بیشتر پیروزی ها در جنگهای ده ساله نصیب ایران شده بود و آن هم درست در شرایطی که روسیه به علت درگیریهای که با ناپلئون پیدا کرده بود خود را برای قبول یک صلح فوری ناچار می دید شاه نا آگاه ایران را بدین وعده محال دلخوش کرده بود که اگر قرار داد صلح ، بدون اصرار در استرداد گرجستان امضاء شود ، دولت انگلیس وساطت خواهد کرد که سردار روس گرجستان را به ایران بازگرداند . ( پناهی سمنانی ، ۱۳۷۶ ، ۱۲۵ )

البته در این میان رجال آگاه و بیداری چون قائم مقام و عباس میرزا نیز حضور داشتند که با درک شرایط و اوضاع تزار روس که اکنون به دلیل جنگ با ناپلئون در موضع ضعف قرار داشت ، ضرورت ادامه جنگ را گوشزد می کردند و ترک مخاصمه را به معنی انتزاع کامل گرجستان از ایران تلقی می نمودند . و آنگاه که بعد از عهدنامه گلستان دولت روسیه به علت درگذشت تزار مایل به اعمال خشونت نبود و ظاهراً برای بعضی توافق ها جهت اصلاح یا تخفیف عهدنامه گلستان آمادگی داشت به دلیل بی اطلاعی سیاسی و دست پنهان استعمار، ضرورت تجدید جنگ از نظر ایران اجتناب ناپذیر تلقی شد ، با آن اظهار مخالفت نمودند . ( زرین کوب ، ۱۳۸۴ ، ۷۸۷ ) اما در مقابل این اقلیت ، خیل کثیری از درباریان همچون میرزا شفیق صدر اعظم و حاجی میرزا ابوالحسن شیرازی تحت نفوذ و اغراض دول اروپایی قرار داشتند که تلاش های میهن پرستانه این رجال آگاه را نقش بر آب می نمودند .

بی اطلاعی زمامداران ایران از اوضاع سیاسی دنیا و اعتماد بی موردی که نسبت به سرگور اوزلی ابراز نمودند باعث شد تا زمانی که روسها تقریباً کلیه ی سربازان خود را از جبهه ی قفقاز خارج نموده و به مقابله با فرانسویان فرستاده بودند نتوانند از فرصت مناسب استفاده نموده و ایالات قفقاز را پس بگیرند .

### ۶- دست پنهان سیاست استعماری انگلستان :

سیاست استعماری انگلستان در هند و آسیای جنوبی چنان اقتضا میکرد که با دول مجاور هندوستان مخصوصاً ایران که از لحاظ موقع جغرافیایی و دست داشتن به معابر هندوستان و عظمت و قدرتی که در خاور میانه داشت بیش از سایر کشورها مورد توجه انگلستان بود ، روابط دوستی برقرار سازد و از طریق روابط دوستانه مقاصد استعماری خود را به

## عهد نامه گلستان

پیش برد به همین نظر زمانیکه به علت فتوحات ناپلئون اول اعتبار انگلستان دچار خطر گردید برای پیش بینی از هر گونه خطر دیگری که ممکن بود متوجه مستعمره پربهای هندوستان شود به تجدید روابط با ایران پرداخت. (شمیم ، ۱۳۷۴ ، ۷۰)

اتحاد بین ناپلئون و پل و شایعه حمله این امپراطور با کمک دولت ایران به هندوستان فوق العاده باعث نگرانی و اضطراب دولت انگلستان گردید زیرا انگلیسیها می دانستند که حمله از راه ایران به هندوستان بسیار ساده و آسان است به خصوص برای ناپلئون . در نتیجه انگلیسیها برای حفظ موقعیت خود با انعقاد قرار داد تدافعی و تعرضی از کمک ایران به فرانسه ممانعت کردند .

اما واقعه ای پیش آمد که سیاست دولت روسیه را به کلی تغییر داد و آن قتل امپراطور روسیه متحد صمیمی ناپلئون و روی کار آمدن الکساندر بود که با انگلیسیها روابط حسنه برقرار نمود . در نتیجه اکنون روسیه دشمن ناپلئون و دوست انگلستان گردید. بنابراین برای انگلستان فقط دولت ایران و فرانسه باقیمانده بودند که امکان داشت هندوستان را تهدید نمایند . بهترین راه برای جلوگیری از دخالت ایران در اجرای نقشه ناپلئون گرفتار کردن ایران در آتش یک جنگ بود . دولت انگلیس از دوستی خود با روسیه استفاده کرده و آن دولت را تحریک کرد که به خاک ایران تجاوز نماید روسها نیز که منتظر چنین فرصتی بودند هجوم خود را به خاک گرجستان آغاز نمودند. در نتیجه انگلیسی ها محرک ایجاد جنگ بین ایران و روس بودند . اما انعقاد عهدنامه تیلسیت بین فرانسه و روسیه ، دوستی انگلیس و روسیه را به چالش کشاند و دوباره انگلیس را متوجه ایران ساخت . بنابراین دو عهدنامه ۱۸۰۹ و متعاقب آن ۱۸۱۲ را با ایران به امضاء رسید . که در آن تدابیری جهت جلوگیری از توسعه نفوز روسیه در ترکمنستان و حفظ بیشتر راه استراتژیک هند و دادن کمک مالی انگلستان به ایران در صورتی که ایران مورد تجاوز روسیه قرارگیرد ، منظور شده بود . (ملکم ، ۱۳۸۳ ، ۱۱۶ ) در این سالها انگلیس به منظور تضعیف روسیه ، ایران را به ادامه ی جنگ با این کشور تشویق میکرد . اما یک بار دیگر روسیه در مقابل ناپلئون با انگلیس متحد شد و پیشنهاد صلح از جانب کشور انگلیس برای پایان بخشیدن به جنگهای ایران و روس مطرح شد آن هم به دودلیل اول به تزار فارغ البال از جانب ایران تمام قشون خود را علیه ناپلئون بسیج کند و دوم جلوی پیشروی روسیه به کشور ایران و نزدیک شدن او به هندوستان گرفته شود . انگلیس برای اینکه ایران را مجبور به قبول صلح نماید افسران انگلیسی را از قشون ایران احضار کرد . مواد عهدنامه گلستان بانیات استعماری انگلیس کاملاً موافق بود.

## عهد نامه گلستان

بنابراین عهدنامه گلستان در تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ ه. ق با حضور سفیر انگلیس سرگور اوزلی و به وسیله میرزا ابولحسن خان شیرازی نماینده ایران و نیکولای نماینده فوق العاده تزار و سردار روس به امضاء رسید. که پیامدهای وخیمی را برای دولت ایران به همراه آورد برخی از پیامدهای آن بدین شرح است:

### ۷- پیامدهای ارضی:

اولین پیامد ناشی از عهدنامه گلستان مصیبت بار بود که آن اهداف روسیه را که از مدت‌ها قبل طرح آن را ریخته محقق می ساخت و آن چیزی نبود غیر از دست رفتن سرزمین زرخیز و پرجمعیت قفقازیه جنوبی، گرجستان و ارمنستان.

به این ترتیب که ایران تعهد کرد که جمیع ولایاتی را که تا آن تاریخ روسها ضبط کرده بودند و در تصرف آنان در آمده بود ملک ایشان بشناسد. به این ترتیب گرجستان و داغستان و ولایات ساحلی دریای سیاه، باکو، دربند، قراباغ، گنجه، و خانات موشکی و شیروان، قبه، موقان و قسمت علیای طالش از خاک ایران جدا شده و ضمیمه روسیه گردید (مهروی، ۱۳۸۱، ۲۲۳) و در حقیقت روسها نواحی بین مصب رودخانه ترک و کور را اشغال کردند.

اما این عهدنامه دارای ابهاماتی بود به این معنی که خط مرزی ایران و روسیه که حالا تغییرات ارضی در آن صورت گرفته بود، مشخص نبود و این مشکلاتی را برای مراتع عشایر آن قسمت از سرحدات به بار می آورد. بخصوص در قسمت طالش، چون هر دو دولت قسمتی از طالش را در اختیار داشتند. (طباطبائی مجد، ۱۳۷۳، ۱۵۶) به واقع می توان گفت که مبهم گذاشتن اراضی سرحدی از عدم رضایت هر دو دولت ایران و روسیه خبر می داد. روسها به خیال اینکه بعدها بهانه ای برای تصرف تمام طالش داشته باشند و ایران که به این وسیله بتواند خاک از دست رفته خود را استرداد نماید. در واقع عدم وضوح خطوط سرحدی بین این دو کشور به هر دو دولت اجازه می داد که در موقع لزوم ابتکار عمل را به دست گرفته و به خاک دیگری تجاوز نمایند.

در معاهده گلستان بطور ضمنی ایران قبول کرد که در دریای خزر نیروی دریایی نداشته باشد طبق ماده ۵، بحر پیمائی در دریای خزر و داشتن کشتی های جنگی منحصر به روسها گردید. دولت ایران فقط حق داشت کشتیهای تجارتي در دریای خزر داشته باشد و این کشتی ها فقط می توانستند برای کمک به نیروهای دریایی روسی که در خطر بودند به سواحل روسیه نزدیک شوند. (تاج بخش، ۱۳۶۲، ۲۲۲)

### ۸- پیامدهای اقتصادی:

از لحاظ اقتصادی از دست رفتن سرزمین زرخیز و پرجمعیتی مانند قفقازیه خود به خود شرایط جبران ناپذیری را برای دولت ایران به همراه می آورد.

## عهد نامه گلستان

بخش های تجارتي و اقتصادي عهد نامه گلستان که شامل مواد ۸ و ۹ و ۱۰ می باشد ، قسمت های مهمی از این عهد نامه به شمار می رود .طبق این مواد تسهیلات زیادی برای بازرگانان روسی در ایران مهیا گردید و زمینه های اقتصاد روسیه در ایران فراهم شد . (لسان الملک سپهر ، ۱۳۷۷ ، ۲۴۰ )

البته از منظر داخلی نیز جنگهای ده ساله ایران و روس پیامد اقتصادی دیگری به همراه داشت که تا مدتها بعد نیز ادامه یافت و آن بالا بردن مالیات های زمین به منظور تأمین هزینه های جنگ بود. که نقدینگی سریع به همراه آورد .اما حکمرانان و دیگران را به اجحاف و اخاذی هرچه بیشتر از قلمرو تحت مسئولیتشان تشویق کرد .(آر .کدی ، ۱۳۸۵ ، ۴۳ )

### ۹- پیامدهای سیاسی :

بالاخره طبق ماده ۴ عهدنامه گلستان به روسها اجازه داده شد تا در امور داخلی ایران مداخله کنند . روسها متعبد شده بودند که شاه ایران و جانشینان بخصوص ولیعهد را در موقع لزوم کمک نمایند تا اینکه دولتهای دیگر نتوانند در امور داخلی ایران مداخله کنند . همچنین به موجب این ماده دولت روسیه پس از مرگ هر شاه در صورت بروز اختلاف بین پسران او بر سر جانشینی بخصوص در موقعی که ولیعهد انتخاب نشده بود می توانست در این مورد دخالت کند. دولت روسیه از اینکه دخالت روسیه در این امر در عهدنامه آن هم از طرف مقامات ایران تذکر داده شده بود بسیار راضی بود چراکه اولاً اجازه دخالت در امور داخلی ایران را بدست آورده بود در ثانی تصور می کرد چون عباس میرزا به قدرت نظامی روسیه آگاهی پیدا کرده است در دوره سلطنتش دیگر جرئت حمله به خاک روسیه را نخواهد داشت . (تاج بخش ، ۱۳۶۲ ، ۲۲۳ ) از طرف دیگر دادن چنین اجازه ای به کشوری که با اقدامات خود دشمنی خود را به ایران و ایرانی به ثبوت رساند کار عاقلانه ای نبود . زیرا روسها نه تنها علاقه ای به بقاء سلطنت و استقلال ایران نداشتند ، بلکه برای اجرای نقشه های سیاسی خود طالب اضمحلال و انحطاط ایران نیز بوده اند .

### ۱۰- پیامدهای مذهبی :

نیمی از سکنه قفقاز را از منظر مذهبی مسلمانان به خود تشکیل می دادند . حالا با انعقاد عهدنامه گلستان سرنوشت مسلمین قفقاز به یک دولت مسیحی ضد اسلام داده شده بود . بنابراین در نتیجه ظلم روسها نسبت به مسلمانان قفقاز موجی از شکایات از جانب آنان به نزد علمای مذهبی ایران ارسال گردید . اصولاً علمای مذهبی ایران که بر اساس اصول اسلامی ، سلطه کفار بر مسلمانان ایران را نمی توانستند پذیرا شوند ، اینک ظلم روسها در حق مسلمانان قفقاز را دیگر اصلاً تحمل نمی کردند . در نتیجه در ادامه روند رفع تظلم از مسلمانان قفقاز ، خواستار جنگ دوباره با روسیه گشته و فرمان جهاد دادند .

**نتیجه گیری :**

جنگهای ایران و روسیه وعهدنامه گلستان صفحات مذلت باری از تاریخ ایران در دوره قاجاریه بشمار می رود که بزرگترین پیامد آن جدایی سرزمین های غنی قفقازیه و گرجستان بود که در طول تاریخ با فراز ونشیب های بسیار همواره حفظ شده بود . اما نباید این مطلب را از نظر دور داشت که ایران در آن زمان قربانی سه سیاست متضاد روس وانگلیس و فرانسه گردید . که به موقع تمام تلاشهای و کوشش های ایران را نقش بر آب می نمود . بنابراین ایران هر اندازه هم دررفع نواقص قشون خود موفق می شد و مرتکب خبط و اشتباه هم نمی گردید باز غیر ممکن به نظر می رسید که بتواند سیاستهای سه دولت مقتدر را خنثی کند و پیروزمندانه از این میدان به در آید .اما چیزی که بیشتر از همه در عهدنامه گلستان خودنمایی می کرد وجود ابهامات بسیاری درآن بود که وقوع جنگ دیگری را هشدار می داد جنگی که منتج به عهدنامه ننگین ترکمانچای گردید .

فهرست منابع :

- ۱- آر. کدی ، نیکی ( ۱۳۸۵ ) « ایران دوران قاجار و بر آمدن رضاخان » ترجمه مهدی حقیقت ، انتشارات ققنوس .
- ۲- آوری ، پیتر ( ۱۳۶۸ ) « تاریخ معاصر ایران ( از تأسیس تا انقراض قاجاریه ) ج اول » ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی ، انتشارات عطائی .
- ۳- اقبال آشتیانی ، عباس ( ۱۳۸۰ ) « تاریخ مفصل ایران » انتشارات خیام .
- ۴- پاکروان ، امینه ( ۱۳۷۶ ) « عباس میرزا و فتحعلیشاه » ترجمه صفیه روحی ، نشر تاریخ ایران .
- ۵- پاکروان ، امینه ( ۱۳۷۶ ) « عباس میرزا » ترجمه قاسم صنعوی ، نشر چشمه .
- ۶- پناهی ، سمنانی ( ۱۳۷۶ ) « قائم مقام فراهانی » نشر ندا .
- ۷- تاج بخش ، احمد ( ۱۳۶۲ ) « سیاستهای استعماری روس و انگلیس » انتشارات اقبال .
- ۸- زرین کوب ، عبدالحسین ( ۱۳۸۴ ) « روزگاران » انتشارات سخن .
- ۹- شمیم ، علی اصغر ( ۱۳۷۴ ) « ایران در دوره سلطنت قاجار » انتشارات مدبر .
- ۱۰- طباطبایی مجد ، غلامرضا ( ۱۳۷۳ ) « معاهدات و قراردادهای تاریخی دوره قاجاریه » بنیاد موقوفات .
- ۱۱- قدیانی ، عباس ( ۱۳۷۶ ) « فرهنگ فشرده تاریخ ایران » انتشارات جاودان فرد .
- ۱۲- لسان الملک سپهر ، محمد تقی ( ۱۳۷۷ ) « ناسخ التواریخ ( تاریخ قاجاریه ) جلد اول » نشر اساطیر .
- ۱۳- محمود ، محمود ( ۱۳۴۱ ) « تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم » انتشارات اقبال .
- ۱۴- ملکم ، سرجان ( ۱۳۸۳ ) « تاریخ ایران » ترجمه اسماعیل بن محمد علی حیرت ، نشر سنایی .
- ۱۵- واتسن ، گرانت ( ۱۳۴۰ ) « تاریخ ایران در دوره قاجاریه » ترجمه وحید مازندرانی ، انتشارات سخن .
- ۱۶- هوشنگ مهدوی ، عبدالرضا ( ۱۳۸۱ ) « تاریخ روابط خارجی ایران » انتشارات امیرکبیر .